

زندگی با همسر بچه ننه

می‌گویند اگر می‌خواهید رابطه یک مرد را با زنی ارزیابی کنید به رابطه و نحوه رفتار او با مادرش نگاه کنید. اگر مردی به مادرش احترام می‌گذارد و دوستش دارد...



می‌گویند اگر می‌خواهید رابطه یک مرد را با زنی ارزیابی کنید به رابطه و نحوه رفتار او با مادرش نگاه کنید. اگر مردی به مادرش احترام می‌گذارد و دوستش دارد و خوش رفتار است این مرد احتمالا رفتار شایسته با زنان را بلد است. اصولا این ایده که برای انتخاب هر فردی چه زن یا مرد به نوع رابطه و رفتار او با خانواده‌اش توجه کنید بسیار رایج است و خیلی‌ها هم واقعا در شکل دهی یک رابطه به این موارد توجه زیادی می‌کنند. اما اگر بفهمید طرف مقابل (در اینجا از وابستگی مردها به مادر یعنی «پسر مامان» صحبت می‌کنیم و مثال می‌آوریم) بیش از اندازه با مادرش صمیمی و راحت است چه؟ اگر او همه دیدگاهش در مورد زندگی را مدیون مادر (والد)ش باشد چه باید بکنید؟

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ضمیمه خانواده روزنامه اطلاعات، مشکل زمانی شروع می‌شود که می‌فهمید طرف مقابل‌تان بیش از اندازه به مادرش وابسته است، و این مادر است که همه چیز را برای او تعیین می‌کند. بعید نیست که او بگوید شما چه چیزهایی نیاز دارید و چه باید بخواهید.

چنین رابطه‌ای اساسا اشتباه است. خواه مردی چنین باشد یا زنی.

اینکه انگیزه‌های این نوع نزدیکی چه هستند هم مهم نیست، مساله این است که حریم یک رابطه نباید تحت تاثیر نزدیکی‌های عجیب و بیش از اندازه دیگران باشد. چرا نمی‌توان با این موضوع کنار آمد و چرا این شکل از رابطه پذیرفتنی نیست؟

دو تا خوب اما سه تا زیاد است

رابطه مشترک بین دو نفر شکل می‌گیرد و پیوندهای عاطفی دو فرد درگیر رابطه اصلا شبیه روابط دیگر نیست. این رابطه واقعا نیاز به فرد سوم ندارد. ظاهرش این است که نفر سوم این رابطه، در خانه و زندگی شما نیست، او پشت در خانه نایستاده است اما حضورش همواره در هوا معلق است. یک حضور پنهان که حرکت و نحوه رفتار شما را تحت تاثیر قرار می‌دهد و آزاردهنده است.

آرزوی مرد، فرمان مادر است

مردهایی که به مادر وابستگی و نزدیکی بیش از حد دارند معمولا خواسته‌های مادر را اجرا می‌کنند و هر چیز و هر کس دیگری را نادیده می‌گیرند این زمانی بیشتر آزار دهنده و ناامید کننده است که متوجه شوید زندگی‌تان مختل شده است. چه چیزی بدتر از اینکه رویاهای شما تحت تاثیر اوامر و خواسته‌های یک نفر سوم قرار بگیرد؟

دخالت در تصمیم‌گیری

در چنین رابطه‌ای این کافی نیست که شما و طرف مقابل‌تان با هم به چه نتیجه و تصمیمی رسیده‌اید چون همیشه یک نفر دیگر هم باید نظر بدهد. هیچ کس چنین مداخله‌ای را نمی‌پسندد. اما شما نمی‌توانید به مرد یا زنی که برای تصمیم‌گیری حتما نظر والدش را می‌خواهد چنین چیزی را به سادگی بفهمانید.

موضوع ناامید کننده این است که در نهایت تصمیم شما دو نفر مهم نیست چون شما در نهایت نظر این فرد سوم را عملی می‌کنید و در موقعیتی قرار می‌گیرید که ماشینی که او گفته می‌خرید یا رنگ کابینت‌های خانه را با سلیقه او انتخاب می‌کنید.

پرکردن خلا تنهایی

بعضی اوقات شریک زندگی‌تان به این دلیل به مادرش وابسته است که مادر همواره از احساس تنهایی شکایت می‌کند به ویژه

اگر او واقعا تنها زندگی کند همواره این انتظار را دارد که پسرش مراقب و متوجه او باشد. او با شکایت از تنهایی و بی کسی سعی می‌کند تمام توجه و تمرکز فرزندش را معطوف به خود بکند و این از یک مراقبت معمول و مرسوم به وابستگی شدید تبدیل می‌شود طوری که به همین دلیل زندگی و برنامه‌های شما تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد.

تبدیل شدن به نفر دوم رابطه

نزدیکی و وابستگی مادر و فرزند گاهی آنقدر پیش می‌رود که شما کاملا احساس می‌کنید نفر دوم رابطه هستید و اولویت در همه چیز با مادر است. هیچ کس در یک رابطه عاطفی و مشترک چنین چیزی را دوست ندارد. چنین چیزی عملا تعریف رابطه مشترک یا عاشقانه را بهم می‌ریزد. والدی که مرکز توجه است، نیازهایش در اولویت است و حرف و نظرش از همه مهم‌تر است این سوال را پیش می‌آورد که « پس من در این رابطه چه کار می‌کنم؟ »

مطرح کردن همه موضوعات با او

هیچ چیز به این اندازه آزاردهنده نیست که بدانید مادر همسر و شریک زندگی‌تان از همه چیز با خبر است و تمام جزئیات زندگی‌تان را می‌داند. مردها و زنانی هستند که چنین عادت آزاردهنده‌ای دارند. همه دعوها، تنش‌ها، اختلاف نظرها تا غذایی که خورده‌اید و لباسی که خریده‌اید به او اطلاع داده می‌شود. واقعا به کسی ربطی ندارد که شام را چه کسی پخته یا شما کی می‌خواهید و درآمدتان چقدر است اما او همه چیز را به مادرش می‌گوید و چه بسا تلاش‌های شما برای تغییر این عادت هم به اطلاع مادر برسد.

مدافع بی چون و چرا

پیش می‌آید که مادر پدرش حرف نامربوط و نادرستی بزند که شما را به شدت ناراحت کند. اما همسر شما این را نمی‌فهمد چون او والدش را دوست دارد و تحت هر شرایطی از او دفاع می‌کند. چنین وضعیتی شما را در موضع بی دفاعی قرار می‌دهد. احساس می‌کنید تنها هستید و حمایتی ندارید.

چه باید کرد؟

اگر شما یک «پسر مامان» هستید

اگر شما مردی هستید که در چنین موقعیتی قرار دارد و اگر شما واقعا نیاز به زن و شریک و رابطه‌ای غیر از مادر(والد)تان دارید باید برای تغییر این وضعیت کاری بکنید. بپذیرید که حضور فعال این والد در رابطه اصلا معنای درستی نمی‌دهد و این روندی است که باید تغییر کند. خوب است که یاد بگیرید مستقل فکر و عمل کنید و معنای درست وابستگی و احساس تعلق و توجه را به افراد مهم زندگی‌تان مثل مادر، همسر و دوست را دوباره بازنگری کنید. به احتمال زیاد شما معنای دوست داشتن و توجه و احترام به والدین را اشتباه فهمیده‌اید و کارکرد هر رابطه را درست تشخیص نداده‌اید.

یادتان باشد صرف نظر از اینکه با این رفتار به دیگری آسیب می‌زنید این برای خودتان هم اصلا خوب نیست. حالا زمانی است که باید از مادر(والد)تان بخواهید که چند قدم عقب‌تر برود و شما را در همه لحظه‌های زندگی‌تان همراهی نکند. این کار در ابتدا برایتان بسیار دشوار است چون به این روش زندگی عادت کرده‌اید اما اگر احساس و نیاز شریک زندگی‌تان برایتان مهم است باید این روند را متوقف کنید. رابطه والد-فرزندی را دوباره تعریف کنید و مرزهای مشخص تعیین کنید.

اگر همسر وابسته به مادر(والد) دارید

سعی کنید با مسالمت به همسران بفهمانید که مرزهای یک رابطه مشترک با روابط دیگر چه هستند و چرا او باید همه چیز را دوباره تعریف و بازسازی کند. ناراحتی و رنجی که می‌برید را بیان کنید. انتقادهای شدید نکنید اما خوب است که بازخوردها و عواقب چنین وابستگی‌ای در زندگی‌تان را بیان کنید. خوب است بگویید که دخالت، تصمیم‌گیری و حضور یک نفر دیگر در زندگی‌تان چطور روی رابطه تاثیر گذاشته است. او را وادار به تغییر این رویه کنید و حتی گاهی لازم است به او نشان بدهید که این وضعیت چه عواقبی برای رابطه‌تان خواهد داشت.